


The theoretical model of people's participation to deal with social harms based on mosques and neighborhood imams

Karim mehri , Assistant Professor, Department of Sociology, Faculty of Literature and Humanities, Urmia University. Email: k.mehri@urmia.ac.ir

ABSTRACT

Subject and method: The upcoming article deals with developing a theoretical model of people's participation to deal with social harms based on mosques and neighborhood imams. The research method is qualitative and the analytical method of database theorizing has been used to conduct the research. The main question is what theoretical model explains people's participation to deal with social harm based on community-oriented interventions based on mosques. The findings show that the proposed model based on the mosque includes several major categories as follows: Determinants of faith and trust in God, disregarding material benefits and not targeting them are introduced as a cultural platform to refer to mosques to reduce social harm. The existence of mosques with a population of 15,000 people around the mosque is introduced as institution building, reforming the current structure of mosques and training imams of mosques with the approaches of neighborhood-based interventions as capacity building and management of mosques based on participation from the bottom up as foundation. The maximum participation of all actors and beneficiaries and their interaction with the imam of the neighborhood and the promotion of physical and mental health and health along with physical changes and confidence building through people's participation in mosques will be done by identifying benefactors and based on religious logic, and finally, by stabilizing the programs. Based on people's participation and actions, it ends in a synergistic and integrated way.

Goals: This article, along with the pathological review of previous neighborhood-based interventions, presents the reasons that explain the necessity of using mosques for neighborhood-based interventions to reduce social harm. Finally, it presents the mosque-centered model to explain this issue. The overall goal of this research is to formulate a theoretical model of people's participation to deal with social harms based on community-centered interventions based on mosques. In fact, the purpose of this research study is to investigate the relationship between mosques and social harms by using the perspectives of people-oriented participation, focusing on key informants who are familiar with mosques.

Findings: The main question of the research was what theory explains the non-participation of people to solve social problems in mosques. To answer this question, the core category of "social structural barriers" was counted from the research data and became the center of gravity of the paradigm model. In the presented

paradigmatic model of the country's general problems, the country's inappropriate cultural infrastructure and mosques' governmental problems as "background conditions"; The internal problems of mosques, the lack of specific and documented planning regarding mosques and the weakness of human capital in mosques as "causal conditions"; The weakness of mosque trustees in the country, the problems of mosques in the extra-neighborhood arena, the lack of necessary networking and the legal problems of mosques as "mediating conditions"; The short-term view of mosques, the emergence of abnormal interactions and damage to the structure of mosques as "processes"; The failure of mosques and the emergence of distrust caused by the failure of mosques are the "consequences" of the underdevelopment of mosques. The lack of specific and documented planning regarding mosques and the weakness of mosque trustees are effective in the emergence of internal problems in mosques. The relationship between the general problems of the country and the internal problems of the mosques can be explained in this way that the general economic problems in the country have led to financial problems and lack of investment in mosques and the weakness of basic equipment and the problems of lack of necessary facilities in social development through mosques.

Key words

Islamic Model, Grounded Theory Analysis, Neighborhood-Oriented Interventions, Constructive Interpretation.

مدل نظری مشارکت مردم برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی بر پایه مساجد و امام محله

کریم مهری^۱

چکیده

مقاله پیش‌رو به تدوین مدل نظری مشارکت مردم برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی براساس مداخلات اجتماع‌محور بر پایه مساجد می‌پردازد. روش پژوهش کیفی است و از روش تحلیلی نظریه‌پردازی داده‌بنیاد برای انجام عملیات تحقیق استفاده شده است. پرسش اصلی آن است که چه مدل نظری مشارکت مردم برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی براساس مداخلات اجتماع‌محور بر پایه مساجد را تبیین می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد مدل پیشنهادی براساس مسجد شامل چندین مقوله عمده به این شرح است: متعین‌های ایمان و اعتماد به خدا، بی‌اعتنایی به بهره‌مندی‌های مادی و هدف قرار ندادن آن‌ها به‌عنوان بستر فرهنگی رجوع به مساجد برای کاهش آسیب‌های اجتماعی معرفی می‌شود. وجود مساجد با جمعیت ۱۵ هزار نفر اطراف مسجد به‌عنوان نهادسازی، اصلاح ساختار کنونی مساجد و آموزش امامان مساجد با رویکردهای مداخلات محله‌محور به‌عنوان ظرفیت‌سازی و مدیریت مساجد براساس مشارکت از پایین به بالا به عنوان بستر سازی معرفی خواهد شد. مشارکت حداکثری تمام کنشگران و ذی‌نفعان و تعامل آنان با امام محله و ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی در کنار تغییرات کالبدی و اعتمادسازی از طریق مشارکت مردم در مساجد با شناسایی خیران و بر مبنای منطق دینی صورت خواهد گرفت و در نهایت، با پایدارسازی برنامه‌ها براساس مشارکت مردم و اقدامات به‌صورت هم‌افزا و یکپارچه به پایان می‌رسد.

واژگان کلیدی

مدل اسلامی، تحلیل داده بنیاد، مداخلات محله‌محور، تفسیری‌برساختی.

مقدمه

با توسعه و رشد آسیب‌های اجتماعی در محلات مختلف به‌ویژه در مناطق حاشیه‌نشین در اوایل دهه ۸۰ در کنار انجام طرح‌های مطالعاتی در خصوص علل شکل‌گیری آسیب‌های اجتماعی، مداخلات محله‌محور به‌منظور بازآفرینی محلات با رویکرد اجتماعی نیز توسعه یافت. اصطلاحات مفهوم توسعه اجتماعی که مقدم بر توسعه اقتصادی استان‌هاست، برای توضیح آن استفاده شده است. از اهداف اختصاصی توسعه اجتماعی در استان‌های ایران ریشه‌کنی فقر و گرسنگی، بهبود آموزش، کاهش آسیب‌های اجتماعی از طریق مداخلات اجتماعی و مشارکت مردمی بوده است. اخیراً براساس اهداف هزاره که کشورهای عضو سازمان ملل در آغاز قرن جدید انتخاب کرده‌اند، توجه به توسعه اجتماعی مقدم بر توسعه اقتصادی است (مجیلی، ۱۳۹۸: ۱۵).

درواقع، می‌توان اوایل دهه ۸۰ را دوران شکل‌گیری و افزایش توجه به فرسودگی و ناکارآمدی محدوده‌های درون‌شهری و نیز گسترش آسیب‌های اجتماعی قلمداد کرد. در دهه‌های گذشته موضوع احداث شهرهای جدید و آماده‌سازی اراضی حاشیه شهرها به‌عنوان راهکارهای پاسخ‌گویی به کمبود مسکن مطرح می‌شد. در این دهه، آنچه بیش از هر چیز خودنمایی می‌کرد آسیب‌های مختلف کالبدی و اجتماعی حاصل از بی‌توجهی به محدوده‌های درونی شهرها بود. شکل‌گیری سکونتگاه‌های ناکارآمد درون و اطراف شهرها و رشد آسیب‌های اجتماعی متعدد محل توجه بود. این امر سیاست‌گذاران شهری و اجتماعی را بر آن داشت تا ضمن توجه به مشکل، به برنامه‌ریزی برای بهبود وضعیت موجود بپردازند. در دهه‌های ۷۰-۱۳۶۰ طرح‌های مداخله در بافت‌های شهری به اجرا درآمده بود؛ اما به نظر می‌رسید این طرح‌ها نتوانسته به الگویی فراگیر و جامع منجر شود. علت اصلی آن بود که در این طرح‌ها به ساکنان محلات توجهی نشده بود. با افزایش تعداد طرح‌هایی که به سبب بی‌توجهی به واقعیت اجتماعی و اقتصادی محلات به بن‌بست رسیده بود، به تدریج احساس نیاز به برقراری تعامل با اجتماع محلی در فرایند مداخله مطرح شد. بدین منظور، نهادهایی در محلات مختلف از سوی سازمان‌های مختلف با اهداف و مأموریت‌های گوناگون شکل گرفتند. هریک از این نهادها، به فراخور سازمانی که آن را تأسیس کرده است، حاوی تجاربی بی‌بدیل در عرصه کاهش آسیب‌های اجتماعی و توسعه شهری است. در ایران اولین دفاتر توسعه محلی در تهران شکل گرفت. تجربه دفاتر نوسازی تهران با عنوان «دفتر محلی خوب‌بخت در تهران و جویبار در اصفهان» از نمونه‌های نخستین این رویکرد است. بازخورد اقدامات صورت گرفته در دفاتر نخستین

یادشده به تأسیس پنج دفتر در محلات دیگر منجر شد. این دفاتر با نام تسهیلگری به دنبال شناسایی بستر اقدام، برنامه‌ریزی، آگاهی‌بخشی، ظرفیت‌سازی، آموزش ساکنان و تعریف و پیگیری تحقق طرح‌های مختلف کالبدی بود. طی دو سال تعداد دفاتر تسهیلگری به ۴۰ دفتر و سپس در سال ۱۳۹۱ به ۶۰ دفتر در محلات دارای بافت فرسوده شهری افزایش یافت. در ارزیابی اولیه دفاتر یادشده می‌توان گفت برنامه‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در کل کشور که در دفاتر یادشده انجام می‌شود، در قالب کارگاه‌های آموزشی عمدتاً به توانمندسازی فردی جامعه محلی منجر شده و نه توانمندسازی گروهی. توانمندسازی فردی احتمال خروج افراد توانمندشده از جامعه محلی و جایگزینی آن‌ها با افراد نیازمند توانمندسازی را افزایش می‌دهد که دور باطل فقر را در جامعه محلی ایجاد می‌کند. در ضمن، عمده فعالیت‌های دفاتر نوسازی در سطح کشور در حوزه کالبدی بوده و باوجود داشتن مأموریت در حوزه اجتماعی، هیچ دستاورد مشخصی در حوزه آسیب‌های اجتماعی نداشته است. علت عمده این شکست فقدان سرمایه اجتماعی بومی برای جلب مشارکت مردمی بوده است. در این مقاله ادعا شده مسجد با دارا بودن سرمایه اجتماعی غیرپیوندی در عرصه غیررسمی بهترین مکان برای توسعه فعالیت‌های مشارکت مردمی و به‌طور خاص کاهش آسیب‌های اجتماعی است. با توجه به اینکه امام مسجد یکی از عناصر کلیدی توسعه مشارکت محور مساجد به حساب می‌آید و در صورت عدم آشنایی با مباحث مربوط به توسعه محله محور می‌تواند تبدیل به مانعی در راه مشارکت محوری مساجد به حساب آید. در ضمن مساجد بسیاری به دلیل ناتوانی امام جماعت مسجد با تلاش‌های بسیار نتوانستند بر مدار توسعه مشارکت محور مساجد قرار بگیرند. از این رو در این مقاله به جایگاه امام مسجد توجه می‌گردد.

این مقاله، ضمن بررسی آسیب‌شناسانه مداخلات محله‌محور پیشین، دلایلی را ارائه می‌کند که ضرورت استفاده از مساجد برای مداخلات محله‌محور برای کاهش آسیب‌های اجتماعی را تبیین می‌کند. در نهایت، الگوی مسجدمحوری را برای تبیین این موضوع ارائه می‌دهد. هدف کلی این تحقیق تدوین مدل نظری مشارکت مردم برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی براساس مداخلات اجتماع‌محور بر پایه مساجد است. در واقع هدف این مطالعه پژوهشی داده بنیاد و اکاوری فهم و درک نسبت مساجد و آسیب‌های اجتماعی است با استفاده از دیدگاه‌های مشارکت مردم مدار، کانون تمرکز بر روی مطلعین کلیدی آشنا به مساجد می‌باشد.

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های موثق و مستند در حوزه ارزیابی راه‌اندازی دفاتر مداخلات محله‌محور با رویکرد اجتماعی در ایران بسیار محدود است. تحقیقات موجود عمدتاً از مفاهیم و قالب‌ها و شیوه‌های بررسی منابع خارجی الهام گرفته و کمتر با انتقاد از آن مجموعه‌ها و تلفیق و تصحیح آن‌ها در پرتو پژوهش‌های عینی در داخل کشور برای ارائه مدل تحلیلی گام برداشته است. با این حال به مواردی از پژوهش‌های انجام شده اشاره می‌گردد.

محسن شیرعلی (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان «شیوه‌های نو در جلب مشارکت مردمی در عمران مادی و معنوی مسجد» به بررسی موضوع پرداخته است و در یک جمع‌بندی مواردی نظیر: تلاش هیئت امنای مساجد برای برگزاری دوره‌های آموزشی مناسب و جلسات مذهبی و جلب مشارکت عموم مردم و واگذاری اجرای مراسم به مردم؛ تلاش برای خدمت‌رسانی به مردم از طریق مساجد؛ تلاش هیئت‌امنا مساجد برای جذب عموم مردم با تخصص‌های گوناگون؛ جذب مشارکت سازمان‌ها و ارگان‌های محلی، استانی و کشوری در عمران مادی و معنوی مساجد؛ جذب روحانیون تلاشگر، دلسوز مردم و جذب‌کننده جوانان در مساجد؛ اطلاع‌رسانی صحیح به مردم محلی در ارتباط با امور مسجد و تبلیغات مناسب برای جذب همه مردم اشاره کرده است.

پژوهشی هاشمیان فر، شایگان و مصطفی سعیدی (۱۳۹۴) با عنوان «بررسی مشارکت جوانان در مسجد با تأکید بر خانواده» بر پذیرش آگاهانه و داوطلبانه انجام یا کمک به انجام بخشی از امور عینی و ذهنی یا مادی و فکری مربوط به مساجد تأکید می‌گردد. بررسی نتایج تحقیق نشان می‌دهد که میزان مشارکت دانشجویان دانشگاه اصفهان در مسجد در سطح پایین و متوسط است و در مجموع تعداد کمی از آن‌ها در همه فعالیت‌های صورت گرفته در مساجد شرکت می‌کنند. بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و مشارکت فرد در مسجد نشان داد که همبستگی ضعیف و رابطه مستقیمی بین بعد اعتقادی والدین و مشارکت وجود دارد.

شایگان (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «تبیین جامعه‌شناسی مشارکت مردم در مساجد» براه‌گذاری متغیرهایی نظیر کیفیت سطح فنی مساجد، مقبولیت امام جماعت، کیفیت عملکرد اصلی مسجد و میزان مذهبی بودن افراد محله تأکید کرده است. دربندی (۱۳۷۴) در پژوهشی با عنوان علل کاهش حضور مردم در مساجد از دیدگاه کارکردگرایان به بررسی تغییر نیاز مردم و عدم تناسب کارکردهای مسجد با نیازهای مردم پرداخته است.

سؤالات پژوهش

در یک نظریه داده بنیاد سؤال‌ها در جهت تولید یک نظریه هدایت می‌شوند که برای یک فرایند مثلا نحوه تعامل مساجد با آسیب‌های اجتماعی توضیحی ارائه می‌دهد در نتیجه مهم‌ترین پرسش‌های تحقیق این خواهد بود:

- چه مدل نظری مشارکت مردم برای مقابله با آسیب‌های اجتماعی براساس مداخلات اجتماع محور بر پایه مساجد را تبیین می‌کند؟
- آیا مدیریت محله‌ها براساس مدیریت امام محله به توسعه اجتماعی مسجد محور و پایداری و اعتمادسازی بیشتر محله منجر می‌شود؟
- نقایص مدل فعلی مداخلات محله‌ای با رویکرد اجتماعی چیست؟
- راهبردها و نقاط تمرکز الگوی مطلوب امام محور کدام‌اند؟
- فرایند اجرای الگوی امام محور چگونه است؟

چهارچوب مفهومی

تحقیقات کیفی، برخلاف پژوهش‌های کمی که بر چهارچوب نظری برای نظریه‌آزمایی مبتنی‌اند، از چهارچوب مفهومی استفاده می‌کنند. چهارچوب مفهومی مجموعه مفاهیم به هم مرتبطی را شامل می‌شود که بر مفاهیم عمده مورد مطالعه تمرکز دارد و آن‌ها را در قالب نظام منسجم و مرتبط معنایی به همدیگر پیوند می‌دهد (احمدپور، ۱۳۹۶: ۱۲۳). در رویکرد نسل دومی محققان نظریه‌پردازی داده‌بنیاد، بر استفاده از نظریه در تحقیق تأکید شده است. سطح حساسیت نظری پژوهشگر بازتابی از سابقه ذهنی و فکری اوست؛ یعنی از نوع نظریه‌ای که مطالعه و درک کرده می‌تواند در پژوهش خود بهره‌گیر (ملانی، ۱۳۹۳: ۲۳).

با توجه به آنکه روش تحقیق کیفی است، چهارچوب نظری و فرضیاتی که تحقیق براساس آن تدوین و طراحی و آزمون می‌شود وجود ندارد. به نظریات موجود درباره موضوع تحقیق در تمام مراحل تحقیق به عنوان منابع اسنادی ارجاع می‌شود؛ اما هیچ نظریه‌ای آزموده نخواهد شد. در واقع، این پژوهش از ماهیت نظری برخوردار نبوده و درصد مرور و بازبینی و نقد و توسعه نظریات موجود یا ارائه نظریه جدید درباره دفا تر محله‌ای نیست؛ بلکه محتوای پژوهش مبتنی بر ارائه تجربه و تحلیل ابعاد مختلف آن و ارائه راهکارهای عملیاتی برای بهبود مداخلات مسجد محور تدوین شده است.

بر اساس چارچوب مفهومی این پژوهش می‌توان گفت مسجد محله محور، متعهد

به عدالت اجتماعی از راه تربیت نقادانه است که با قدرت‌یابی شخصی آغاز می‌شود تا به رسیدن کنش جمعی برای رسیدن به جهانی دادگر، برابر و پایدار پیش می‌رود. مسجد دگرگون‌ساز با حدیث نفس‌های مردم، با مناسباتی سرشار از اعتماد و احترام و اشتراک آغاز می‌شود و مبنای چنین کرداری گفت‌وشنود است. احساس تعلق به محله و مسجد زمانی تقویت می‌گردد که اعتماد به نفس مردم تقویت شود. اگر مردم ببینند حرفشان را گوش می‌دهند، ارزش می‌گذارند و جدی گرفته می‌شوند قصه زندگی‌شان گفته می‌شود به سمت مشارکت می‌آیند. انسان‌ها ساختمان‌ها را شکل می‌دهند و بعد ساختمان‌ها به انسان‌ها شکل می‌دهند. وقتی ساختمان‌های مساجد زیبا هستند، درباره امور جذاب نظیر مهربانی، امید، اعتماد با ما سخن می‌گویند و وقتی ساختمان‌ها زشت هستند، گویی درباره نفرت و خشم و بدی حرف می‌زنند. معماری مساجد با شهروندان محله‌ها سخن می‌گوید، به او می‌گوید من بسیار مهربانم، شیرینم، تو برایم مهم هستی و آرامش تو برایم مهم است. به همین دلیل رنگ آرامش‌بخش با آیات قرآنی می‌پوشم. مبنای تعامل شهروندان محله اسلامی با معماری مساجد و نیز با امام مسجد و یکدیگر بر اساس «گفت‌وشنود» است، قصه زندگی‌شان را بازگو می‌کند و در عین حال قصه زندگی گذشتگان و صالحان را می‌شنوند. به عبارتی دیگر، در مساجد هم قصه خودشان و هم قصه گذشتگان و قصه‌های قرآنی گفته می‌شود. قصه‌گویی یعنی بیان تجربه. قصه‌گویی را نباید کم‌ارزش دید؛ قصه‌گویی شکلی از ارتباط‌گیری می‌باشد که قابلیت دگرگون‌سازی دارد. قصه‌گویی قابلیت آگاهی نقادانه را افزایش می‌دهد. قصه‌ها و داستان‌ها، نقش چسب فرهنگی و اجتماعی را بازی می‌کنند و به جامعه معنا می‌دهد. گوش‌سپاری همدلانه شالوده‌گفت‌وشنود است که نیازمند سرمایه اجتماعی است. بازگویی قصه خود برای دیگران، تجلی اعتماد، احترام و سربلندی است و از دل فرایند قصه‌گویی مناسبات صمیمانه برمی‌آید. امامان مساجد می‌توانند این شیوه قدرت‌یابی شخصی را که به درکی نقادانه از ماهیت ستم‌ساختاری می‌انجامد در داستان‌های روزمره نقل کنند. ماهیت سیاسی آموزش مساجد هرگز نمی‌تواند خنثی باشد. کارکرد سیاسی آن یا رهایی‌بخش است یا اهلی کردن. به بیان دیگر فرایند آموزش مساجد متفکر نقاد مستقل را در مقابل «مردم منفعل سربراه» پدید می‌آورد؛ زیرا اگر مردم مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را به تجربه روزمره خود ربط دهند به درکی نقادانه دست پیدا می‌کنند (لدویت، ۱۳۹۷: ۱۳۷).

مفهوم مشارکت

مشارکت به مفهوم دخالت در فرایند تصمیم‌گیری، تصمیم‌سازی، فراگرد اندیشه و عمل است که حاصل آن افزایش بهره‌وری و وحدت در میان مردم و تحقق مردم‌سالاری و توسعه همه‌جانبه است. به عبارت دقیق‌تر، مشارکت همزاد توسعه می‌باشد و این دو لازم و ملزوم یکدیگرند و دو روی یک سکه می‌باشند و در هر جامعه‌ای که مشارکت جوانان بیشتر بوده، نشانه توسعه‌یافتگی هم بیشتر به چشم می‌خورد. منظور از مشارکت‌های مردم شرکت فعالانه و کمک‌های مادی و معنوی و همفکری در حل مسائل و مشکلات است. مشارکت مردم نشانه توجه به رشد شخصیت انسان‌هاست و در جهت تأمین نیازهای احترام و خودیابی افراد گام برمی‌دارد.

مفهوم محله

محله را بنیادی‌ترین واحد تجزیه و تحلیل اجتماع نیز خوانده‌اند. محله در عین حال برای برنامه ریزان تجزیه و حس‌گرا یا پوزیتیویست، تنها محدوده‌ای فیزیکی یا جسمانی در شهر است؛ اما جامعه‌شناسان شیکاگو محله را از منظر بوم‌شناسی انسانی تعریف کرده‌اند. براین اساس، روابط متقابل یا کنش و واکنش‌های طبیعی بین افراد و خانواده‌ها و نهادها حول مکان جغرافیایی مشترکی شکل می‌گیرد و به راه می‌افتد که محله خوانده می‌شود. این تعریف به طرح مفهوم محله به‌عنوان روستای شهری منجر شد که هنوز طرفدارانی دارد (با نوعی از انواع اجتماعات مسکن خودساخته به‌عنوان روستای درون‌شهری که نگارنده در مطالعات اسکان غیررسمی مطرح کرده اشتباه نشود). جامعه‌شناسان دیگری، دیدگاه مکتب شیکاگو در باب محله را نقد می‌کنند و آن را ساده‌لوحانه و ناتوان از توضیح دادن روابط متقابل فراوانی می‌دانند که مردم در آن‌ها درگیر می‌شوند. اتفاقات مرکزیت و محوریت جغرافیایی و مکانی نیز ندارند و به اشتغال و علایق مشترک و نیازها مربوط‌اند. جین جیکوبز (۱۹۶۱)، بانوی فرهیخته کم‌نظیر و از پیش‌گامان برنامه‌ریزی شهری انسان‌محور، نیز مفهوم غیرمنعطف و جغرافیایی محله را رد کرد؛ لیکن پذیرفت که محله بخش جدی و بااهمیت و سیال‌تر مجموعه‌ای از روابط متقابل در متن‌های شهری است. جیکوبز از وجود سه سطح محله دفاع می‌کند. به نظر می‌رسد برای او مفهوم محله حداقل در رابطه با برنامه‌ریزی محله با‌معناترین و مرتبط‌ترین مفهوم است. محله خیابان که او وضع کرده (محله‌ای که دنیای اجتماعی و روابطش به خیابانی محدود و بر آن استوار است) با‌معناترین و مرتبط‌ترین مفهوم است. محله خیابان به‌نحوی مؤثر قادر است

تا از طریق شبکه‌ای کوچک مقیاس از زندگی همگانی یا عمومی روزمره که ماهیتاً بر اعتماد و کنترل اجتماعی استوار است، نظم را در محدوده‌هایی کوچک و مرتبط به خود ایجاد کند.

مبانی نظری پژوهش

نظریه‌های متعددی در زمینه برنامه‌ریزی مشارکتی و شهرسازی مشارکتی از نیمه دوم دهه ۱۹۶۰ به این سو مطرح گردیده است. ملاک انتخاب این نظریه‌ها، میزان نوآوری و خلاقیت و استحکام نظری و تأثیرگذاری بر نظریه‌های بعدی می‌باشد.

نظریه مشارکتی جان ترنر

ترنر در فرایند تحول نظریات مربوط به نقش مردم و دولت در امر توسعه که توسط سازمان ملل متحد و کارشناسان آن سازمان نظریه‌پردازی شده است، به تشکیل سازمان‌های محلی توسط اجتماعات محلی تأکید شده است تا این سازمان‌های غیر دولتی محلی نقش فعالی در توسعه و اداره امور محلی بر عهده گیرد.

تحقیقات ترنر و دیگران نشان می‌دهد، هنگامی که دولت مرکزی در امور اجتماعات محلی دخالت می‌کند هم نیازهای واقعی این جوامع برای دولت مرکزی نهفته است و هم با کنار گذاشتن مردم محلی توان و امکانات آن نیز از دست می‌رود. جان ترنر بر این امر تأکید دارد دولت و مردم شرکایی هستند که با یکدیگر تقسیم کار می‌کند. محققین در زمینه مشارکت، در سال‌های اخیر نظریات مربوط به مشارکت سازمان ملل، بانک جهانی، جهان مرکز و ... را بار دیگر آزمودند و در مورد نظریه آنان به نظریه تازه‌تری رسیدند. نظریه‌پردازان اخیر، از نظریه مشارکت به نظریه شراکت رسیدند. بر اساس نظریه شراکت، دولت مردم باید مانند دو شریک دارای منابع مشترک و با حقوق و اختیارات معین در کلیه کارهای مربوط به توسعه و اداره امور محلی کشور دوش‌به‌دوش هم‌دیگر و هماهنگ با یکدیگر فعالیت کنند. در نظریه شراکت هم دولت و هم مردم با هم کار می‌کنند. دولت آن چراکه مردم نمی‌توانند فراهم کند و یا درباره آن تصمیم بگیرند، فراهم می‌کند و یا برای آن تصمیم می‌گیرد و هم‌زمان مردم محلی در چارچوب تشکیلات اجتماعات محلی خود هر آنچه می‌توانند فراهم می‌کنند و در مورد هر آنچه بخواهند و بتوانند تصمیم می‌گیرند

نظریه مشارکتی جیمز میجلی

میجلی بر اساس پاسخ دولت‌ها به مشارکت، آن را به چهار نوع تقسیم می‌کند.

۱. شیوه ضد مشارکتی

طرفداران این عقیده معتقد به سرکوب مشارکت توده‌ها هستند. حکومت‌ها اجازه مداخله و مشارکت همگانی در تدوین سیاست‌ها را که ممکن است با اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی آن‌ها تعارض پیدا کند، نمی‌دهد.

۲. شیوه مشارکت هدایت‌کننده

در این شیوه دولت از مشارکت اجتماعات محلی با انگیزه‌های پنهانی، حمایت می‌کند. مشارکت اجتماع محلی، در این شیوه، به منظور کنترل سیاسی اجتماعی، با علم به اینکه مشارکت، اجرای طرح را تسهیل می‌کند، به کار می‌رود. در مجموع دولت‌ها با بهره‌گیری از شیوه‌های مشارکت هدایت‌شده اهداف زیر را دنبال می‌کند:

۱. استفاده ابزاری از مشارکت، برای اجرای طرح‌های عمرانی؛

۲. کنترل جنبش‌ها و اجتماعات محلی؛

۳. استفاده از جاذبه‌های مشارکت برای کسب مشروعیت سیاسی اجتماعی.

۳. شیوه مشارکت فزاینده

در این شیوه دولت در برخورد با مشارکت به شکلی دوگانه عمل می‌کند. به این ترتیب که در موضع‌گیری‌های رسمی از آن حمایت می‌کند، اما عملاً در مسیر تحقق پیشنهادها مشارکتی اقدام مؤثری انجام نمی‌شود.

۴. شیوه مشارکت واقعی

در این شیوه دولت، به طور کامل از مشارکت اجتماعی حمایت می‌کند و از طریق ایجاد سازوکارهای برای ورود مؤثر اجتماعات محلی در تمامی زمینه‌ها، تلاش می‌کند. در این شیوه دولت متعهد به فعالیت‌های مشارکتی از طریق آموزش و تقویت اجتماعات محلی و ... و هماهنگی در تصمیمات مرکزی و محله ای است.

نظریه مشارکتی شری ارنشتاین

در اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی، نقش مشارکت شهروندان در جوامع بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. ارنشتاین مشارکت شهروندی را با تعبیر قدرت شهروندی به کار گرفت و در توضیح آن از نردبان مشارکت استفاده کرد.

نظریه مشارکتی اسکات دیویدسون

اسکات دیویدسون، گردونه‌ی مشارکت خود را برای بحث مشارکت شهروندی طراحی کرد. این گردونه، سطوح مختلفی از مشارکت را بدون اینکه ترجیحی برای هر یک

قائل شود، ارائه می‌کند. در این مدل، تصمیم‌گیری در تعاملی مستمر بین دولت و شهروندان صورت می‌گیرد.

هر چند که دیوید سون برای سطوحی که برای مشارکت بیان می‌کند، تقدم و تأخر خاصی قائل نیست و اساساً به همین دلیل از استعاره‌ی گردونه به جای نردبان استفاده می‌کند، اما به هر حال سطوح چهارگانه‌ای برای مشارکت در نظر دارد که عبارت‌اند از:

۱. اطلاع‌رسانی؛

۲. مشاوره؛

۳. مشارکت؛

۴. توانمندسازی.

نظریه مشارکتی دیوید دریسکل

وی معتقد است، مشارکت بر سه اعتقاد ذیل مبتنی است:

(الف) توسعه، در وهله اول و پیش از همه، باید به نفع ساکنان محلی باشد

(ب) مردمی که در محدوده مورد برنامه‌ریزی زندگی می‌کنند، دقیق‌ترین اطلاعات را درباره آن محدوده دارند

(ج) مردمی که بیشترین تأثیرات را از تصمیمات می‌پذیرند، سهم بیشتری برای مشارکت در تصمیم‌گیری دارند از نظر دریسکل اشکال مختلفی از مشارکت وجود دارد که در دودسته کلی تر «مشارکت» و «عدم مشارکت» جای می‌گیرد. دریسکل انواع مشارکت را رد یک نمودار دو بعدی و بر حسب میزان اختیار در تصمیم‌گیری به شکل زیر نشان می‌دهد.

بر اساس نمودار بالا می‌توان قلمرو مشارکت و عدم مشارکت را از هم جدا کرد:

اشکال عدم مشارکت

۱. دستکاری و تقلب

وقتی اتفاق می‌افتد که از نیروی کار و منابع مردم محلی، برای رسیدن به اهداف طرح استفاده می‌شود، بدون اینکه قدرت تصمیم‌گیری موثر به آنان اعطا شود.

۲. تزئین

وقتی است که از افراد خواسته می‌شود کاری را انجام دهند، بدون آنکه هدف آن را بدانند.

۳. مساوات‌طلبی نمایشی

وقتی است افراد، ظاهراً در کارها مشارکت داده‌شده‌اند ولی در واقع، اختیاری

درباره موضوع و روند کارها ندارند.

اشکال مشارکت

۱. مشاوره

وقتی است که مسئولین یا برنامه ریزان، نظرات مردم را جویا می‌شوند و به نظرات آن‌ها به‌طور جدی در تصمیم‌گیری‌ها توجه می‌شود.

۲. بسیج اجتماعی

وقتی است که از مردم خواسته شود، در برنامه‌ای از قبل تدارک دیده‌شده شرکت کنند. دو مرحله قبلی می‌توانند به تناسب در حوزه مشارکت و یا عدم مشارکت قرار بگیرد.

۳. مسئولیت‌پذیری مردم

وقتی است که شهروندان فعالیت‌ها را آغاز می‌کنند، و خود تصمیمات را اتخاذ کرده و نهایتاً محصول نهایی کار را تعیین می‌کنند.

۴. سهم شدن در تصمیمات

وقتی است که همه اعضای جامعه، بدون در نظر گرفتن سن و سوابقشان فرصت می‌یابند تا در روند امور شرکت کنند و سهم برابری برای تأثیرگذاری بر تصمیمات داشته باشند. مهم این نیست که طرح توسط دولت و یا مردم آغاز شده، بلکه مهم این است متصدیان طرح، اهمیت جلب و مشارکت مردم را درک کنند. (حبیبی، ۱۳۸۴: ۲۵)

مبانی نظری پژوهش

در جامعه ایران محله عمدتاً بر پایه قومیت شکل می‌گرفته است و قومیت هم حتی اگر یکدستی کامل داشته باشد، به دلیل روابط خون و تبار بنیادی، مهمتری و کهنتری (بزرگی و کوچکی) بین افراد، نمی‌تواند معنای عضویت خارج از روابط خونی، خانواده و شبکه فامیلی را شکل دهد. حال نکته اساسی آن است که در شرایط سست شدن و از میان رفتن روابط قومی از همه مهم‌تر به علت تنوع قومیت در محله‌ها آیا می‌توان از مشارکت مردم در مساجد عنصری وحدت‌بخش پدید آورد که این بار افراد را حول عضویت در عمل معنوی و نیز بازسازی نیازهای مادی و معنوی که تمایل آنان است، گرد هم آورده تا به عمل مشترک اقدام نمایند؟ در ایران امروز دگرگونی‌هایی در پاسخ به مشکلات زندگی، شکل گرفته‌اند، که به نسیمی روح‌بخش لیکن نازک آرای و شکننده می‌ماند و قابل‌ردیابی است که تقویت دائمی و نگهداری از آن‌ها وظیفه سترگ هر انسان، نهاد، سازمان و گروه ایرانی است. برای این منظور و برای یافتن راه‌های

مشارکت مردمی در مساجد که به طراحی سناریوهای قابل اجرا منتهی گردد، باید به شناختن ساختار مساجد و محله‌ها و بازسازی ساختار آن بر پایه نظریه‌های مشارکت نظیر شری ارنشتاین همت گمارد؛ پس از آن راه‌های درون‌زای دگرگون کردن آن‌ها را به شکلی مشارکتی و جمعی یافت؛ نویسنده این مقاله از مفهوم مسجد دگرگون‌سازی یا محله محور برای پاسخ به سؤال فوق استفاده می‌کند مسجد محله محور، متعهد به عدالت اجتماعی از راه تربیت نقادانه است که با قدرت‌یابی شخصی آغاز می‌شود تا به رسیدن کنش جمعی برای رسیدن به جهانی دادگر، برابر و پایدار پیش می‌رود. مسجد دگرگون‌سازی با حدیث نفس‌های مردم، با مناسباتی سرشار از اعتماد و احترام و اشتراک آغاز می‌شود و مبنای چنین کرداری گفت‌و شنود است که بر اساس شکل زیر می‌توان برای آن ابعاد مختلفی در نظر گرفت



مدل مفهومی پایگاه مشارکت اجتماعی در مساجد

روش پژوهش

روش این پژوهش کیفی است و از روش نظریه‌پردازی داده‌بنیاد به‌عنوان روش عملیاتی تحقیق استفاده شده است. روش نظریه‌ داده‌بنیاد شیوه‌ای از پژوهش کیفی است که در آن، با استفاده از دسته‌ای از داده‌ها، نظریه‌ای تکوین می‌یابد. هدف نظریه‌پردازی داده‌بنیاد تولید نظریه است و در مرحله مقدماتی ارائه مدل و نه توصیف صرف پدیده.

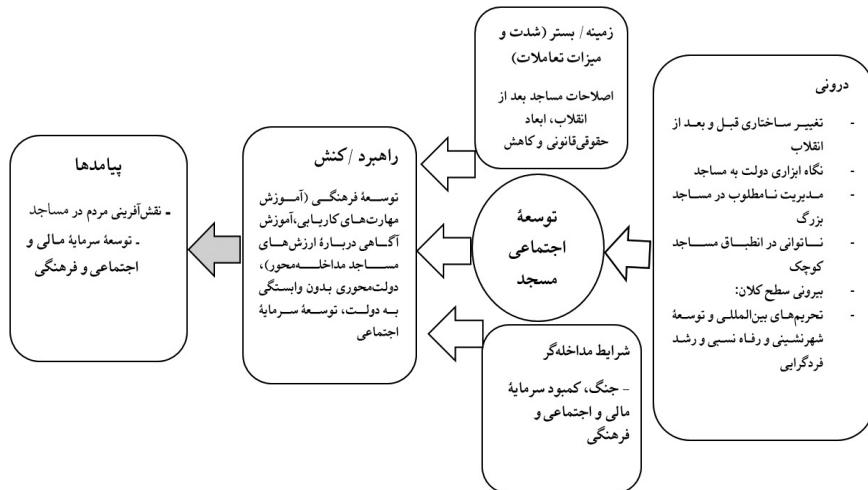
در بررسی کیفی می‌توان از دو نوع نمونه‌گیری هدفمند و نظریه به‌صورت هم‌زمان استفاده کرد: از نمونه‌گیری هدفمند برای گزینش افراد مصاحبه‌شونده و از نمونه‌گیری نظری برای تشخیص تعداد افراد و تعیین محل داده‌های موردنیاز و یافتن مسیر پژوهش (محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۵). در این پژوهش، مطالعه با استفاده از کدگذاری و تجزیه و تحلیل و مصاحبه با متولیان و پژوهشگران حوزه مسائل اجتماعی انجام پذیرفت که سابقه فعالیت طولانی‌مدت در بدنه تشکیلات وزارت کشور و سایر وزارتخانه‌ها را داشتند. از جمله افرادی که با آن‌ها مصاحبه حضوری انجام پذیرفت بدین قرارند: عبدالرسول علم‌الهدی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه امام حسین (ع)؛ دکتر علاءالدینی، رئیس دفتر مردم‌نهاد ستاد بازآفرینی شهری؛ دکتر نوذری، مشاور شرکت بازآفرینی شهری؛ دکتر اسماعیلی، عضو هیئت‌اندیشه‌ورز وزارت کشور؛ دکتر صفری شالی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه خوارزمی؛ دکتر محجوب، عضو کمیسیون اجتماعی مجلس؛ آقای علوی، عضو کمیسیون عمران مجلس؛ مهندس نبوی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام؛ آقای عزیزی، نماینده مجلس؛ بنیانیان، رئیس کمیسیون اجتماعی شورای عالی؛ اقطار، رئیس دبیرخانه مشارکت‌های مردمی سازمان بهزیستی؛ آقای صیادی، اداره‌کل مشارکت وزارت کشور؛ آقای ترابی، عضو هیئت‌علمی دانشگاه علوم انتظامی؛ خانم دکتر اسکندری، مدیرکل دفتر مطالعات ستاد بازآفرینی شهری؛ خانم دکتر باتمانی، کارشناس وزارت کشور؛ آقای دکتر یوسف‌وند، مدیرگروه مرکز پژوهش‌های مجلس؛ آقای گراوند، مدیر مؤسسه نقش کلید. مصاحبه‌شوندگان در مجموع بیست نفرند. تأکید بر تجربه کاری در تشکیلات وزارت کشور و بهزیستی و... در انتخاب مصاحبه‌شوندگان از آن‌رو بوده است که نظر فرد از روی شناخت مسائل اجتماعی بیان شود و داده‌ها معتمد باشد. گردآوری اطلاعات از بهمن ۱۳۹۷ آغاز شد و تا خرداد ۱۳۹۸ به درازا کشید.

تحلیل مقولات پژوهش

با استفاده از داده‌های اولیه (مصاحبه با آگاهان مهم) به سؤال‌های تحقیق پاسخ داده شد. در این فرایند با بیست فرد آگاه مهم مصاحبه شد. در مصاحبه با دوازدهمین مصاحبه‌شونده اشباع نظری حاصل شد؛ اما برای حصول اطمینان تا بیست نفر ادامه یافت. در این بخش مقاله، ضمن شرح داده‌های جمع‌آوری شده از مجموعه مصاحبه‌ها، تلاش می‌شود تا فرایند استخراج مفاهیم اصلی، کدگذاری باز و محوری و کدگذاری انتخابی به انجام رسد و چهارچوب نظری پدیدار شود.

بررسی اولیه مصاحبه‌ها نشان می‌دهد در ایران اولین دفتر توسعه محلی در تهران

شکل گرفت که بعدها در کل کشور توسعه بیشتری پیدا کرد؛ اما به سبب فقدان دستورالعمل اجرایی مشخص و فقدان مدل بومی اجرایی با شکست روبه‌رو شد. مدل پیشنهادی براساس مسجد شامل چندین مقوله عمده به این شرح است: متعین‌های ایمان و اعتماد به خدا، بی‌اعتنایی به بهره‌مندی‌های مادی و هدف قرار ندادن آن‌ها به‌عنوان بستر فرهنگی رجوع به مساجد برای کاهش آسیب‌های اجتماعی معرفی می‌شود. وجود مساجد با جمعیت ۱۵ هزار نفر اطراف مسجد به‌عنوان نهادسازی و نیز اصلاح ساختار کنونی مساجد و آموزش امامان مساجد با رویکردهای مداخلات محله‌محور به‌عنوان ظرفیت‌سازی و مدیریت مساجد براساس مشارکت از پایین به بالا به‌عنوان بستر سازی معرفی خواهد شد. مشارکت حداکثری تمام کنشگران و ذی‌نفعان و تعامل آنان با امام محله و ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی در کنار تغییرات کالبدی و اعتمادسازی از طریق مشارکت مردم در مساجد با شناسایی خیران و... بر مبنای منطق دینی صورت خواهد گرفت و در نهایت، با پایدارسازی برنامه‌ها براساس مشارکت مردم و اقدامات به‌صورت هم‌افزا و یکپارچه به پایان می‌رسد. در ادامه، متن سخنان آگاهان مهم در خصوص علل درونی و بیرونی توسعه اجتماعی مساجد تشریح شده است.



شکل ۱. مدل نهایی پارادایمی توسعه اجتماعی مسجدمحور

یافته‌های پژوهش

با مرور مصاحبه‌ها و بازخوانی مفاهیم در نهایت پانزده مقوله نهایی استخراج شد. با انجام کدگذاری محوری، زیرمقوله‌ها به یکدیگر و همچنین به مقوله‌های عمده ربط یافتند و همچنین، نوع مقوله‌ها از حیث علی و فرایندی و پیامدی مشخص شد. مقولات و زیرمقولات عمده استحصال شده از جریان پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مقولات و زیرمقولات استحصال شده در جریان تحقیق

مقوله عمده	زیر مقولات	مقوله عمده	زیر مقولات
مسائل حقوقی مساجد	تدوین قوانین نامناسب، فقدان استقلال در وضع قوانین در خصوص مساجد، ضعف نهادسازی مردم پایه و اجرای قوانین، نقض قوانین موجود	مشکلات عمومی کشور	مشکلات ناشی از اقتصاد دولتی، مشکلات عمومی اقتصادی، ضعف در تصویب و نهادینه‌سازی قوانین، بی‌تعادلی و بی‌برنامگی نهادی، دیوان‌سالاری
ضعف متولیان مساجد در کشور	ندارد	مشکلات درون‌بخشی مساجد	مشکلات مدیریتی، ضعف آموزش و تخصص در مساجد، فقدان تطابق با وضعیت جدید، وابسته بودن و فقدان خوداتکایی، تعارضات درونی مساجد، مشکلات نقشی در مساجد، مشارکت ضعیف اعضا ضعف اطلاعاتی، مشکلات مالی و سرمایه‌ای، ضعف در تجهیزات و ملزومات اولیه ضعف آموزش حقوقی در مساجد، ضعف ارتباط بین‌بخشی و درون‌بخشی، ساختار غیررقابتی مساجد، مشکلات تولیدات فرهنگی مساجد، مشکلات مربوط به عرضه کالای فرهنگی مساجد
نگاه ابزاری به مساجد	ندارد	زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور	فرسایش سرمایه اجتماعی، وجود الگوهای اخلاقی و فکری نامناسب، روحیه کار جمعی ضعیف، نظام و فرهنگ اشتغال انعطاف‌ناپذیر، بی‌توجهی به نهاد مسجد، بی‌اطلاعی عمومی از وجود مساجد و امام محله‌محور

مقوله عمده	زیر مقولات	مقوله عمده	زیر مقولات
صدمه دیدن ساختار مساجد	تحلیل رفتن قدرت رقابت پذیری مساجد در عرصه فرهنگی، تحلیل رفتن سرمایه اجتماعی و اقتصادی در بدنه مساجد	فقدان برنامه ریزی مشخص و مدون در خصوص مساجد	جایگاه نامشخص مساجد در عرصه فرهنگ، فقدان ضمانت و حمایت مشخص از مساجد، درک نادرست از مساجد، بی توجهی به مساجد، ضعف حمایت و ارتباط فرابخشی، اجحاف در مقایسه با بخش خصوصی فرهنگی، مشکلات مربوط به تسهیلات بانکی، حمایت های مالی ضعیف، مشکلات اقتصادی ناشی از سازمان های رقیب، مشکلات مالی در پرداخت قبوض آب و برق مساجد
پیدایش تعاملات ناپهنجار	پیدایش رانت (ویژه خواری)، پیدایش تعاملات غیررسمی سودجویانه حول مسجد	مشکلات دولتی مساجد	مشکلات درون دولتی، بی توجهی دولت به مساجد، مشکلات اقتصادی دولتی
ناکامی مساجد		ضعف سرمایه انسانی در مساجد	ضعف آموزش و آگاهی اعضای هیئت امنای مساجد، نگاه ابزاری اعضا، پایگاه اقتصادی ضعیف اعضا
ظهور بی اعتمادی ناشی از ناکامی مساجد		نگاه کوتاه مدت به مساجد	نگاه کوتاه مدت به مساجد
		مشکلات مساجد در عرصه بین الملل	ضعف رقابت با بخش خارجی فرهنگی، مشکلات و مسائل سیاسی در عرصه بین الملل

در ابتدا، شرایط علی درونی موانع توسعه اجتماعی مساجد و زمینه های شکل گیری رکود مساجد در مواجهه با آسیب های اجتماعی شرح داده می شود و سپس، تعاملات و پیامدهای رکود مساجد و ناتوانی در مواجهه با آسیب های اجتماعی تشریح می شود.

شرایط علی درونی موانع توسعه ای مساجد

شرایط علی یا سبب ساز معمولاً آن دسته از رویدادها و وقایع اند که بر پدیده ها اثر می گذارند (استراوس و کربین، ۱۳۹۲: ۱۵۲). در مدل پارادایمی به دست آمده از این پژوهش، مشکلات درون بخشی مساجد، فقدان برنامه ریزی مدون و مشخص در خصوص مساجد، و ضعف سرمایه انسانی آشنا به مداخلات محله محور در مساجد به عنوان شرایط علی در نظر گرفته شده اند.

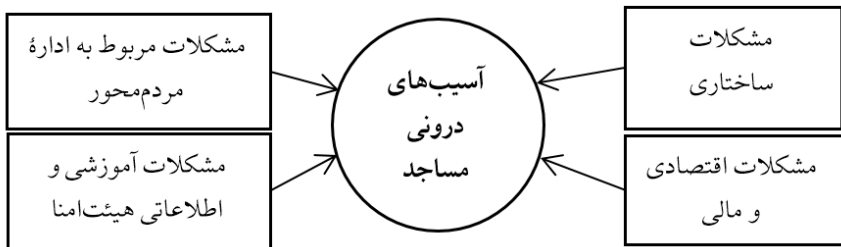
از میان مقولات تولید شده، تغییرات ساختاری قبل و بعد از انقلاب، مدیریت

مدل نظری مشارکت مردم برای مقابله با آسیب‌های [...]

نامطلوب در مساجد بزرگ، ناتوانی در انطباق مساجد کوچک محوری‌ترین مفاهیم استخراج شده است. با توجه به گستردگی مقولات و ویژگی‌های آن‌ها، تنها به ذکر نکات مهمی پرداخته می‌شود که به‌عنوان مقوله اصلی شناخته شده‌اند.

مشکلات درون‌بخشی مساجد

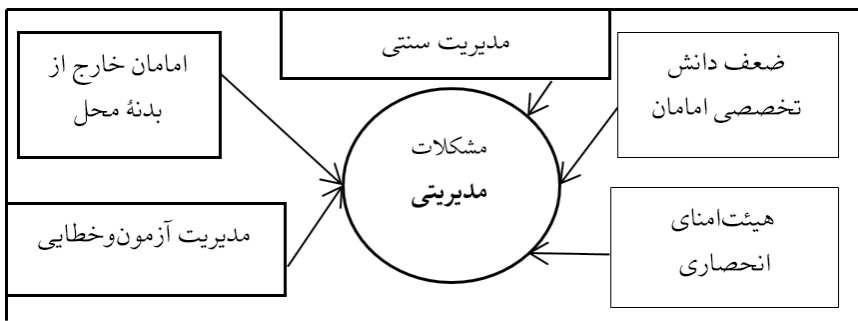
منظور از مشکلات درون‌بخشی مساجد آسیب‌ها و مشکلاتی است که در بدنه خود مساجد در عرصه‌های گوناگون وجود دارد. این مسائل را می‌توان با توجه به یافته‌های پژوهش به چهار دسته کلی مشکلات مدیریتی، آموزشی و اطلاعاتی، ساختاری و سازمانی، و مشکلات اقتصادی و مالی تقسیم‌بندی کرد.



شکل ۲. مشکلات و آسیب‌های درونی تهدیدکننده ساختار مساجد

مشکلات مدیریتی در مساجد

مشکلاتی که مساجد در عرصه مدیریت با آن مواجه‌اند دارای مؤلفه‌ها و ابعاد متفاوتی است. ابعاد گوناگون اداره مردم‌محور مساجد در شکل ۳ به نمایش درآمده است.



شکل ۳. مؤلفه‌ها و ویژگی‌های مشکلات اداره مردم‌محور در مساجد

مشکلات ادارهٔ مردم‌محور در مساجد دارای ضعف‌هایی بدین شرح است:

- مدیریت سنتی: شیوه‌های مدیریت و پیشبرد امور در مساجد به‌صورت علمی و جدید نبوده و عمدتاً بر مدیریت سنتی مبتنی است که الگوهای سنتی و قدیمی را بازتاب می‌دهد. از سوی دیگر، در انجام امور امامان مساجد و هیئت‌امنا غیرهوشمندانه، عمدتاً احساسی، غیرکارشناسانه، بدون انسجام و پیوستگی در امور و شور و مشورت با اعضا عمل می‌کنند. بنابراین، امامان با تصمیمات ناکارآمد خود، که عمدتاً بر هماهنگی با اعضا و هیئت‌امنا مسجدها مبتنی نیست، با شیوهٔ سیاهی‌لشکری به بدنهٔ مساجد آسیب می‌رسانند. در شیوهٔ سیاهی‌لشکری، عمدتاً فردی قهرمانانه به دنبال پیگیری و حل مشکلات است و زمام امور را در برابر سکوت و فرمان‌بری اعضا به دست می‌گیرد. هیئت‌مدیرهٔ یکی از مساجد در این خصوص بیان می‌کند: «نه اینکه طبق روال خیلی از مساجد فقط امضاکنندهٔ صورت‌جلسه باشند که متأسفانه در این‌گونه مساجد یک نفر نظر می‌دهد و مجری است و مابقی افراد فقط سیاهی‌لشکر می‌باشند».

- ضعف دانش تخصصی امام مسجد: مساجد کشور به‌دلایل متعدد، از جمله فقدان دانش و اطلاعات اجتماعی کافی و قدرت مالی مناسب، قادر نیستند برای ادارهٔ فعالیت‌های خود امامان موفق و کارایی را در اختیار بگیرند و در نتیجه، از اثربخش‌زیادی در حوزهٔ فعالیتشان برخوردار باشند. عمدهٔ مساجد کشور، به‌ویژه به‌سبب ضعف مالی، ناچارند امامان کم‌مهارت را با حقوق اندک به کار گیرند و در نتیجه، از نظر مدیریت فعالیت‌هایشان با مشکل مهمی مواجه می‌شوند. یکی از مدیران محله که امام مسجد نیز هست معتقد است: «عمدتاً شایسته‌سالاری رعایت نمی‌شود و خیلی از مدیرانی که وارد حوزهٔ مسجد می‌شوند با الفبای کار با محله و توسعهٔ اجتماعی و مدیریت یک واحد فرهنگی و شیوهٔ مواجهه با آسیب‌های اجتماعی آشنا نیستند».

شرایط علی‌بیرونی موانع توسعهٔ اجتماعی مساجد

از میان مقولات تولیدشده، تحریم‌های کلان بین‌المللی و توسعهٔ شهرنشینی و رشد فردگرایی محوری‌ترین مفاهیم استخراج‌شده‌اند. با توجه به گستردگی مقولات و ویژگی‌های آن‌ها تنها به ذکر نکات مهمی پرداخته می‌شود که مقولهٔ اصلی شناخته شده‌اند.

تحریم‌های کلان بین‌المللی

اعمال تحریم‌های چندجانبه بر ایران طی سال‌های گذشته پیامدهایی همچون کاهش رشد اقتصادی و صنعتی کشور، محدود کردن سرمایه‌گذاری‌های خارجی، تضعیف

ریال، چندبرابر شدن نرخ تورم، و کاهش تولید و صادرات نفت و گاز را برای اقتصاد ایران در پی داشت.

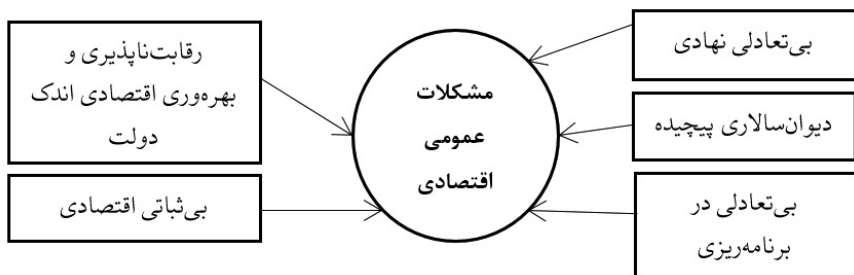
مقوله تحریم‌های کلان بین‌المللی سه ویژگی عمده دارد: ممانعت از انتقال فناوری، اختلال در صادرات، و اختلال در سرمایه‌گذاری بین‌المللی

بستر

شرایط زمینه‌ای مجموعه خاصی از شرایطی‌اند که در زمان و مکانی خاص جمع می‌آیند تا مجموعه اوضاع و احوال یا مسائلی را به وجود آورند که اشخاص با عمل / تعامل‌های خود به آن‌ها پاسخ می‌دهند (استراوس و کرین، ۱۳۹۲: ۱۵۴). در این پژوهش «مشکلات عمومی کشور»، «زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور»، و «مشکلات دولتی مساجد» به‌عنوان شرایط زمینه‌ای رکود مساجد در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی مطرح‌اند.

مشکلات عمومی کشور

پسوند عمومی به این واقعیت اشاره دارد که این مشکلات ناشی از فضای کلی اداری و اقتصادی و اجتماعی کشورند که در تمامی حوزه‌ها مؤثرند. در واقع، حوزه اثرگذاری این مشکلات در تمامی واحدهای فرهنگی و خدماتی و تولیدی از جمله مساجد بوده و مختص به یک حوزه نیست. این مشکلات عمومی، که از متن مصاحبه‌ها و پژوهش‌ها به‌عنوان عوامل اثرگذارتر در مواجهه مساجد با آسیب‌های اجتماعی بدان‌ها اشاره شده است، در پنج محور عمده قرار می‌گیرند: رقابت‌ناپذیری و بهره‌وری کم اقتصاد دولتی، بی‌ثباتی اقتصادی، بی‌تعدالی در برنامه‌ریزی، بی‌تعدالی در اجرای، و دیوان‌سالاری پیچیده در مناسبات کشور. در شکل ۴ این مشکلات ارائه شده‌اند.



شکل ۴. مشکلات عمومی اقتصادی مؤثر در رکود مساجد در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی

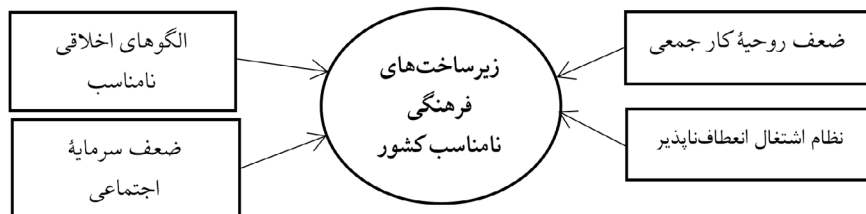
مشکلات مندرج در شکل ۴ حکایت از آن دارند که مشکلات بی‌تعادلی در سیستم برنامه‌ریزی و اجرایی کشور و مشکلات عمومی اقتصادی موتور و نیروی محرکه مساجد در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی را با مشکل مواجه می‌کنند و از سرعت آن می‌کاهند که در ادامه، فرایند و داستان این اثرگذاری، به سبب کمبود فضای مقاله، در یک محور تشریح می‌شود.

- رقابت‌ناپذیری و بهره‌وری اندک اقتصاد دولتی

ساختار کلی اقتصادی کشور به صورتی است که بیشتر به نفت و حضور پررنگ دولت وابسته است. در خصوص رقابت‌ناپذیری، یکی از مدیران دولتی بیان می‌کند: «زمانی که فضا واسه رقابت سازمان‌های تولیدی نباشه، خودبه‌خود ساختار انحصاری شکل می‌گیره که فضای رقابتی و کیفیت را کاهش می‌ده. نمونه بارزش خودروسازی ماست که فقط دو تا شرکت با هم رقابت می‌کنن. همین باعث می‌شه کیفیت کمتر بشه». به مرور، روحیه رقابت‌ناپذیری در تمام حوزه‌های سازمان‌های دیگر نیز رشد می‌کند و به نوعی رکود و کرختی در تمام سازمان‌های اقتصادی یا فرهنگی منجر می‌شود و در مساجد نیز چنین روحیه‌ای مسلط می‌شود.

زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب در کشور

ضعف فرهنگ مساجد در کشور مقوله‌ای مهم است و بر این واقعیت دلالت دارد که مسجد به‌همراه ارزش‌ها و مزایای اقتصادی و اجتماعی آن در جامعه ترویج و تشویق نشده است؛ به صورتی که عموم مردم از مساجد و اهداف آن و اصول آن آگاهی چندانی ندارند. در الگوهای اخلاقی و فکری فرهنگی کشور ما که تعاملات و مناسبات ما را هدایت می‌کنند، ویژگی‌هایی ملاحظه می‌شود که از ادامه فعالیت هرچه بهتر مساجد مانع می‌شوند. ابعاد گوناگون این ویژگی‌ها در شکل ۵ تشریح شده است.



شکل ۵. عوامل فکری و اخلاقی و فرهنگی مؤثر در پیدایش زیرساخت‌های نامناسب کشور

با توجه به شکل ۵ مشخص می‌شود که الگوهای اخلاقی نامناسب، ضعف در سرمایه اجتماعی و روحیه کار جمعی، و نظام اشتغال انعطاف‌ناپذیر مجموعه ویژگی‌های اخلاقی در جامعه هستند که در پیدایش زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب در کشور در زمینه فعالیت هرچه بهتر مساجد مؤثر بوده‌اند. در ادامه، فرایند اثرگذاری یکی از این ویژگی‌های مذکور بر روند فعالیت مساجد تشریح می‌شود.

الف) الگوهای اخلاقی نامناسب

ویژگی‌های اخلاقی متنوعی در نظام فرهنگی ما تعریف شده است که راهنمای عمل کنشگران در عرصه رفتاری آن‌هاست. یکی از این الگوهای فرهنگی نامناسب عقلانیت ابزاری و منفعت‌طلبی است. دکتر رستمی، مدیرکل و استاد بازنشسته جامعه‌شناسی، در این خصوص بیان می‌کند: «در همه دنیا اگر توسعه اجتماعی پیش رفت، یک سری آدمای فداکار بودن و این آدمای ایران کم می‌شن و از طرفی اعتماد کم می‌شه». بنابراین، شخصیت‌های فداکاری که در جهت منافع جمعی و خیر عمومی حرکت می‌کنند کم شده‌اند. دکتر حاجیلویی، دبیر ستاد فرهنگی و اجتماعی شورای انقلاب فرهنگی، در این زمینه بیان می‌کند: «آمادگی که ما به کاری بکنیم که در عین حال که خیرش به خودمان می‌رسد به دیگران هم برسد وجود ندارد». در مساجد میان هیئت‌امنا درگیری و تنش وجود دارد. در نحوه اداره مسجد مردم محله نقشی ندارند و خودمحوری در هیئت‌امنا مساجد معضل به حساب می‌آید.

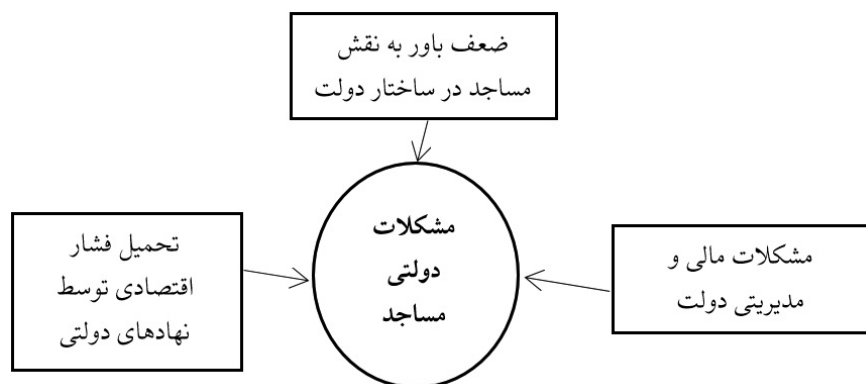
شرایط مداخله‌گر

شرایط دخیل (میانجی) شرایط علی را تخفیف یا به‌نحوی تغییر می‌دهد (استراوس و کرین، ۱۳۹۲: ۱۵۳). در این پژوهش، ضعف متولیان مساجد در کشور، مشکلات مساجد در عرصه بین‌الملل و مسائل حقوقی مساجد به‌عنوان شرایط میانجی در نظر گرفته شده‌اند.

مشکلات دولتی مساجد

منظور از مشکلات دولتی مساجد مشکلات و دغدغه‌هایی است که در بستر دولت وجود دارد و به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم بر مساجد اثرگذار است؛ به‌نحوی که دولت در متن تصمیم‌گیری و اجرای سیاست‌های خود با مشکلاتی مواجه است که فرصت رسیدگی کامل و بلندمدت به یک حوزه خاص مانند مساجد را ندارد. مشکلاتی که درون ساختار دولت بوده و تهدیدکننده مساجد و فعالیت‌های آن نیز هست شامل

سه دسته عمده است: ضعف باور به نقش مساجد در ساختار دولت، مشکلات مالی و مدیریتی، و تحمیل فشارهای اقتصادی توسط سازمان رقیب و دولتی. این مشکلات ساختار فعالیت مساجد را در روند تولید و توزیع خدمات دچار رکود می‌کند.



شکل ۶. ویژگی‌ها و مؤلفه‌های مشکلات دولتی مساجد

- باورمند نبودن دولت و دولتمردان به مشارکت مردم در مساجد

برای رسیدن به مشارکت مردمی در مسائل اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی نیازمند باور و میل به خواستن در عرصه اجرایی و عمومی کشوریم. بارها در کشور ما، از حوزه مساجد به‌عنوان راهکار حل مشکلات اجتماعی همچون بیکاری و فقر و بی‌عدالتی اجتماعی و آسیب‌های اجتماعی سخن گفته شده است و حتی برنامه‌های قانونی زیادی برای توسعه این بخش تنظیم شده است. با این حال، هنوز هم رشد مشارکت مردم در مساجد در حد مطلوب نیست. به نظر می‌رسد که مشکل مساجد از نبود میل و اراده‌ای ناشی است که دولتمردان را در خصوص مساجد و اهمیت آن به سمت جلو هدایت کند. صفری شالی در این زمینه بیان می‌کند: «یعنی اون میل و باور از سمت دولت برای رشد مشارکت مردم وجود ندارد؛ اما اینکه (دولت) استراتژی بلندمدت بدهد چیزی وجود ندارد». علاوه بر این، مردم محلی در مساجد از فقدان همکاری و حمایت لازم بخش دولتی و نهادهای دولتی گلایه دارند. یکی از امامان مساجد معتقد است: «نکته دیگر حمایت دولت از مساجد است. برای اینکه در عرصه فرهنگ حضور داشته باشیم و در عرصه رقابت فرهنگی حرفی واسه گفتن داشته باشیم، دولت باید توانمندسازی انجام بده؛ یعنی هیئت‌انامی مسجد نسبت به مشارکت مردم

در کاهش آسیب‌های اجتماعی و جایگاه مسجد در آن آگاه‌تر شوند». آموزش امامان مساجد و هیئت‌امنا به همراه آموزش اهالی محله به منظور مشارکت در مساجد برای کاهش آسیب‌های اجتماعی اهمیت دارد.

راهبرد / کنش (تعاملات و کنش‌ها)

عمل / تعامل یا کنش / کنش متقابل اصطلاحاتی‌اند که برای اشاره به تدابیرهای راهبردی و طرز عمل‌های عادی یا روزمره و چگونگی مدیریت موقعیت‌ها توسط افراد در مواجهه با مسائل و امور به کار می‌روند. این تدابیرها یا رفتارهای عادی چیزهایی‌اند که مردم و سازمان‌ها و جوامع یا ملت‌ها انجام می‌دهند یا می‌گویند (استراوس و کربین، ۱۳۹۲: ۱۵۵). نگاه کوتاه‌مدت به مساجد و پیدایش تعاملات نابهنجار و صدمه دیدن ساختار مساجد به‌عنوان کنش‌ها و تعاملات پژوهش پیش رو در نظر گرفته شده‌اند.

مقوله نگاه ابزاری دولت به مساجد

مقوله نگاه ابزاری دولت به مساجد از مهم‌ترین عوامل درونی شکل‌گیری رکود مساجد در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی است. تاریخ چند هزارساله مساجد در ایران نشان می‌دهد در غیاب رویکرد هدفمند و راهبردی مبتنی بر تعریف و تبیین نقش توسعه‌ای نهضت‌های سیاسی در مساجد، مواجهه دولت‌ها با مساجد رویکردی پروژه‌محور بوده است. فقدان رویکرد راهبردی در این حوزه موجب شده است این رابطه در چهارچوب نگاه کوتاه‌مدت و ابزاری تعریف شود و از سازوکار مساجد عمدتاً برای سامان‌دهی و مدیریت بحران‌های اقتصادی اجتماعی، به‌ویژه آن‌هایی که دارای قابلیت تبدیل به چالش‌ها و بحران‌های سیاسی امنیتی بودند، استفاده شود. در تمام مساجد مدت‌ها پایگاه‌های مقاومت بسیج وجود داشته و این پایگاه‌ها در بیشتر مساجد همچنان وجود دارد. نگاه دولتی‌ها به مسجد عمدتاً براساس نیازهای دولت در حوزه‌های امنیتی و سیاسی و اجتماعی تعریف می‌شود و بذاته به مسجد به‌عنوان پایگاه اصلی مشارکت مردمی و نهادسازی‌های محله‌محور نگریسته نمی‌شود.

مقوله نگاه ابزاری دولت به مساجد سه ویژگی عمده دارد: مداخله‌جویانه بودن؛ نگاه کوتاه‌مدت داشتن؛ استفاده در وضعیت بحرانی.

این رویکرد دولت به مساجد، یعنی نگاه کوتاه‌مدت و ابزاری و مداخله‌جویانه، مانع از این شده است تا مساجد به‌عنوان نهاد اجتماعی از دل نیازهای جامعه به بقای خود

ادامه دهد یا مساجد جدید از دل مردم برخاسته و با کمک نیروها و گروه‌های اجتماعی رشد و نمو پیدا کند. این تجربه در بسیاری از کشورها تکرار شده و مساجد پس از دوران افت و خیزهای اولیه راه رشد خود را پیدا کرده و با دستیابی به کارکردهای طبیعی خود به امری نهادینه تبدیل شده و در کنار سایر فعالیت‌های اجتماعی به جایگاه مناسبی در حیات اقتصادی و اجتماعی آن کشورها دست پیدا کرده است. یکی از امامان مسجد در این باره معتقد است: «وقتی جنگ شروع شد، مشکل گرانی و احتکار و کمبود کالا و اینا به وجود اومد. دولت از طریق مساجد بخشی از مشکلات مردم را حل می‌کرد. در عین حال، مساجد توسط مردم بازسازی می‌شدند و در حل مشکلات ساکنان محله نقش بازی می‌کردند».

پیامدها: مشارکت نکردن مردم در مساجد

آخرین اصطلاح پارادایمی پیامد است. هر جا انجام یا عدم انجام عمل / تعامل معینی در پاسخ به امر یا مسئله‌ای یا به منظور اداره یا حفظ موقعیتی از سوی فرد یا افرادی انتخاب شود، پیامدهایی پدید می‌آید (استراوس و کربین، ۱۳۹۲: ۱۵۶). ناکامی اهالی محله در مشارکت واقعی در مساجد و به تبع آن، ظهور بی‌اعتمادی ناشی از ناکامی مساجد به عنوان پیامدها در این پژوهش در نظر گرفته شده است. ناکامی مساجد نتیجه کنش‌ها و تعاملات ایجاد شده (نگاه کوتاه‌مدت به مساجد و پیدایش تعاملات نابهنجار و صدمه دیدن ساختار مساجد) و تأثیرپذیری از شرایط علی و زمینه‌ای و میانجی است. مشارکت نکردن مردم باعث شده رویکردها و روندهایی غربی در جلب مشارکت مردمی شکل بگیرد که نقایصی دارند.

نقایص مدل فعلی مداخلات محله‌ای با رویکرد اجتماعی

رویکرد برنامه‌ریزی از بالا

طرح‌های توانمندسازی در دفاتر ایجاد شده تاکنون رویکرد برنامه‌ریزی از بالا داشته و ارتباط آن در مراحل مختلف، به‌ویژه در تعریف طرح‌ها و اجرا و ارزیابی، با سطوح محلی بسیار ضعیف است. چنین امری از شکل‌گیری ظرفیت‌های لازم برای بهره‌گیری بهینه برای شکل دادن به جریان نوسازی مانع می‌شود.

توانمندسازی فردی

برنامه‌های توانمندسازی سکونتگاه‌های غیررسمی در قالب کارگاه‌های آموزشی عمدتاً به توانمندسازی فردی جامعه محلی منجر شده و نه توانمندسازی گروهی. توانمندسازی فردی

احتمال خروج افراد توانمندشده از جامعه محلی و جایگزینی آنها با افراد نیازمند توانمندسازی را افزایش می‌دهد که دور باطل فقر را در جامعه محلی ایجاد می‌کند.

فقدان مشارکت

برنامه‌ها و طرح‌های تعریف‌شده و اجراشده برای ارتقای سطح رفاه عمومی در هر جامعه محلی ضروری و حق شهروندی ساکنان است؛ اما ساکنان مستقیماً در تعیین و اولویت‌بندی آنها مشارکت نکرده‌اند. اهمیت این موضوع در جایی است که اگر به سبب قطع منابع مالی یا موانع دیگر اجرای برنامه‌ها از سوی دولت‌ها متوقف شود به دلیل فقدان مشارکت مردم برنامه‌های محلی ادامه نمی‌یابد.

بی‌توجهی به کیفیت زندگی

دستاوردهای نوسازی شهری به تغییرات کالبدی بنیادین در بافت‌های هدف منجر شد؛ اما در کیفیت حیات اجتماعی اقتصادی محلات و ساکنان تأثیرات پایداری نداشته است.

راهبردها و نقاط تمرکز الگوی مطلوب بر پایه مساجد

- تأکید بر برنامه‌ها و اقدامات محله محور و در مسیر اهداف توسعه پایدار؛
- مبتنی بر تعامل و مشارکت حداکثری تمام کنشگران و ذی‌نفعان بخش عمومی و خصوصی مدیریت شهری و به‌ویژه مردم در تمامی طبقات و قشرها؛
- ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی در کنار تغییرات کالبدی؛
- خدمات‌رسانی به سالمندان محله از طریق مشارکت فعال ساکنان محله در مساجد؛
- خدمات‌رسانی به معلولان از طریق مشارکت فعال ساکنان محله در مساجد؛
- خدمات‌رسانی به آسیب‌دیدگان طلاق از طریق مشارکت فعال ساکنان محله در مساجد؛
- خدمات‌رسانی به معزادان و خانواده‌هایشان از طریق مشارکت فعال ساکنان محله در مساجد؛
- ایجاد نهاد امام محله با ویژگی پاسخ‌گو بودن به مسائل محله به‌جای مدیر محله؛
- نهادسازی اجتماعی با عنوان نهاد مشارکت اجتماعی محله؛
- ایجاد نهاد واسط مدنی واقعی بین مردم و مسئولان؛
- کاهش آسیب‌های اجتماعی؛
- مدیریت موردی اعتیاد با مشارکت فعال ساکنان محله در مساجد؛

- مدیریت موردی طلاق با مشارکت فعال ساکنان محله در مساجد؛
- اعطای تسهیلات و مشوق‌ها و بسته‌های حمایتی به نیازمندان، از مشارکت فعال ساکنان محله در مساجد؛
- نظارت بر کیفیت ساخت‌وساز و تشویق به بهسازی بافت فرسوده.

فرایند اجرای الگو

۱. انتخاب امام محله و آموزش نقش امام محله (امام جامعه، امام جمعه، امام جماعت، امام محله)

- تحلیل توسعه محله و نقش و جایگاه امام محله به‌عنوان تسهیلگر محله؛
- نهادسازی در مسجد و ایجاد فضایی درون مسجد که صیغه مسجد خواننده نشده باشد.

۲. کادرسازی نهاد مشارکت اجتماعی در مساجد و تعامل با امام مسجد؛ کادر موردنیاز عبارتند از: مددکار اجتماعی محله؛ جامعه‌شناس محله؛ روان‌شناس محله؛ شهرساز محله؛ کارآفرین محله

۳. تدوین برنامه اقدام

- بسترسازی: شامل پنج مرحله است: شناسایی منابع برای تأمین اعتبارات طرح؛ هم‌اندیشی با شرکای سازمانی طرح؛ انتخاب محلات هدف طرح؛ هم‌اندیشی با شرکای محلی طرح؛ و ورود به محلات هدف.

- نهادسازی: شامل چهار مرحله است: تأسیس پایگاه‌های خدمات اجتماعی در مساجد؛ تشکیل گروه‌های تسهیلگر در مساجد؛ تشکیل شورای معتمدان محلات؛ تشکیل کمیته تواناساز شهرستان.

- ظرفیت‌سازی در مساجد: اطلاع‌رسانی و تبلیغات محیطی طرح؛ آموزش تسهیلگران و گروه‌های محلی؛ مطالعات میدانی و تشکیل بانک اطلاعاتی؛ تشکیل پرونده‌ها و طراحی برنامه‌های خرد محلی.

۴. اعتمادسازی

- شناسایی خیران و تشکیل گروه‌های حامی طرح در مساجد؛
- ارائه خدمات به آسیب‌دیدگان اجتماعی محله هدف (سالمندان، معلولان، معزولان و...)

- اجرای طرح‌های خرد محلی؛

- ارائه گزارش و دستاوردها به ذی‌نفعان.

با توجه با ساختار فرهنگی در ایران، اعتمادسازی از بدو شروع فعالیت باید در دستور کار قرار گیرد.

۵. مسجد به‌مثابه مرکز تسهیلگری

طی فرایند تسهیلگری، گروه‌های محلی برای مشارکت در فرایند سیاست سلامت محله توانمند می‌شوند.

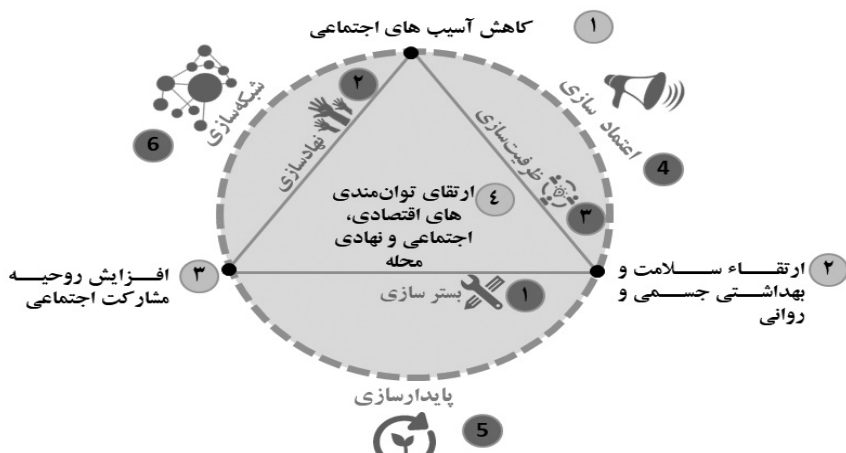
مشارکت در رویکرد اجتماع‌محور: فرایند جلب مشارکت؛ آگاهی؛ سازمان‌دهی؛ پشتیبانی و حمایت؛ استمرار و مداومت؛ سطوح مشارکت برحسب فرایند برنامه‌ریزی توسعه؛ مشارکت در تصمیم‌گیری؛ مشارکت در اجرا؛ مشارکت در نگهداری؛ مشارکت در ارزشیابی و پایش؛ توسعه مشارکت فعال.

۶. پایدارسازی

پایدارسازی برنامه‌ها و اقدامات به‌صورت هم‌افزا و یکپارچه از طریق: تأسیس انجمن‌های محلی؛ شناسایی و پوشش آسیب‌دیدگان اجتماعی محلات هم‌جوار؛ تشکیل گروه‌های داوطلب محلی؛ برنامه‌ریزی مشارکتی (کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت).

۷. شبکه‌سازی

- برقراری ارتباط و تعامل بین گروه‌ها؛
- طراحی و راه‌اندازی وبگاه و نشریه؛
- واگذاری طرح به انجمن‌های محلی؛
- خروج مجری از محلات و عضویت در شبکه.



شکل ۸. بستر سازی؛ نهاد سازی؛ ظرفیت سازی؛ اعتماد سازی؛ پایدار سازی؛ شبکه سازی

نتیجه‌گیری

سؤال اصلی پژوهش این بود که چه نظریه‌ای عدم مشارکت مردم برای حل آسیب‌های اجتماعی در مساجد را تبیین می‌کند. برای پاسخ به این سؤال مقوله‌هسته «موانع ساختاری اجتماعی» از داده‌های پژوهش احصا شد و به مرکز ثقل مدل پارادایم تبدیل شد. در مدل پارادایمی ارائه‌شده از مشکلات عمومی کشور، زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور و مشکلات دولتی مساجد به‌عنوان «شرایط زمینه‌ای»؛ مشکلات درون‌بخشی مساجد، فقدان برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص مساجد و ضعف سرمایه‌انسانی در مساجد به‌عنوان «شرایط علی»؛ ضعف متولیان مساجد در کشور، مشکلات مساجد در عرصه فرامحله‌ای، فقدان شبکه‌سازی موردنیاز و مشکلات حقوقی مساجد به‌عنوان «شرایط میانجی»؛ نگاه کوتاه‌مدت به مساجد، پیدایش تعاملات نابهنجار و صدمه دیدن ساختار مساجد به‌عنوان «فرایندها»؛ ناکامی مساجد و ظهور بی‌اعتمادی ناشی از ناکامی مساجد به‌عنوان «پیامدها»ی توسعه‌نیافتگی مساجد هستند. در به وجود آمدن مشکلات درون‌بخشی مساجد، فقدان برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص مساجد و ضعف متولیان مساجد مؤثرند. ارتباط میان مشکلات عمومی کشور و مشکلات درون‌بخشی مساجد را می‌توان این‌گونه شرح داد که مشکلات عمومی اقتصادی در کشور به مشکلات مالی و فقدان سرمایه‌گذاری در مساجد و ضعف در تجهیزات اولیه و مشکلات فقدان امکانات لازم در توسعه اجتماعی به‌وسیله مساجد منجر شده است. از طرفی، مشکلات ناشی از اقتصاد دولتی خود را در مشکلات درون‌بخشی مساجد در قالب ساختار غیرقابلیت مساجد نشان می‌دهد. بی‌تعادلی و بی‌برنامگی نهادی موجود در کشور خود را در ساختار مساجد به‌صورت تعارضات درونی مساجد، مشکلات نقشی در مساجد، ضعف ارتباط بین‌بخشی و درون‌بخشی نشان می‌دهد. ارتباط میان مشکلات عمومی کشور را با فقدان برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص مساجد می‌توان به این نحو شرح داد که مشکلات عمومی اقتصادی در کشور نیز به ضعف حمایت‌های مالی و مشکلات مربوط به تسهیلات بانکی برای ایجاد زیرساخت‌های ضروری برای جلب مشارکت مردمی در کاهش آسیب‌های اجتماعی منجر شده است. ضعف در تصویب و نهادینه‌سازی قوانین در کشور نیز به عدم ضمانت و حمایت مشخص از مساجد و مشکلات مالی در مساجد منجر شده است. بی‌تعادلی و بی‌برنامگی نهادی موجود در کشور نیز در مشکلات مربوط به فقدان برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص مساجد به جایگاه

نامشخص مساجد و ضعف ارتباط و حمایت فرابخشی منجر شده است. در تشریح ارتباط میان مشکلات عمومی کشور و ضعف متولیان مساجد در کشور می‌توان گفت که بی‌تعادلی و بی‌برنامگی نهادی به دخالت نابجای وزارتخانه‌های دیگر در توسعه اجتماعی منجر می‌شود که ذاتاً وظیفه مساجد است. نمود دیوان‌سالاری رایج در کشور نیز در تشکیلات متولیان مساجد به پیچ‌وخم‌های اداری و طولانی شدن فرایند اخذ مجوز مداخلات محله‌محور بر پایه مساجد ختم می‌شود. یکی دیگر از بسترهای رکود مساجد زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور است. ارتباط میان زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور و مقولات علی و مداخله‌گر را می‌توان بدین نحو شرح داد که زیرساخت‌های نامناسب کشور با مشکلات درون‌بخشی مساجد، فقدان برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص مساجد، و ضعف سرمایه انسانی مساجد در ارتباط است. رابطه میان زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور را با مشکلات درون‌بخشی مساجد بدین نحو می‌توان شرح داد که فرسایش سرمایه اجتماعی، ضعف روحیه کار جمعی، وجود الگوهای اخلاقی و فکری نامناسب به وابسته بودن و عدم اتکا به خود و مشارکت ضعیف اعضا درون مساجد منجر شده است. از طرفی، بی‌توجهی به نهاد مساجد و بی‌اطلاعی عمومی از جایگاه مساجد در کشور به ضعف آموزش حقوقی هیئت‌امنا و امامان مساجد و ضعف آموزش و تخصص در مساجد و ضعف اطلاعاتی در میان اعضا منجر شده است. ارتباط میان زیرساخت‌های نامناسب کشور با فقدان برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص مساجد را بدین نحو می‌توان تشریح کرد که بی‌توجهی به نهاد مساجد در کشور به بی‌توجهی به مساجد در برنامه‌ریزی‌های مختص به مساجد منجر شده است؛ از طرفی، بی‌اطلاعی عمومی از ضرورت مشارکت مردمی در مساجد به درک نادرست از مساجد و برنامه‌ریزی در خصوص مساجد منجر شده است. ارتباط میان زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور و ضعف سرمایه انسانی در مساجد را بدین نحو می‌توان شرح داد که وجود الگوهای اخلاقی و فکری نامناسب، ضعف روحیه کار جمعی و بی‌توجهی به نهاد مساجد با نگاه ایزاری اعضای مساجد در ارتباط است. از طرفی، بی‌اطلاعی عمومی از ضرورت مشارکت در مساجد برای کاهش آسیب‌های اجتماعی به ضعف آموزش و آگاهی اعضا منجر می‌شود. یکی دیگر از بسترهای رکود مساجد مشکلات دولتی مساجد است. مشکلات دولتی مساجد با مشکلات مداخلات محله‌محور مساجد، جایگاه نامشخص مساجد از مقوله عمده فقدان برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص مساجد، ضعف رقابت با

بخش خارجی مداخله‌کننده در محله از مشکلات مساجد در عرصه فرامحله در ارتباط است. از شرایط علی رکود مساجد در مشارکت به‌منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی، فقدان برنامه‌ریزی مشخص و مدون در خصوص مساجد با مشکلات مساجد در عرصه حقوقی و فرامحله و شبکه‌سازی بین مساجد در ارتباط است؛ بدین نحو که جایگاه نامشخص مساجد به تدوین قوانین نامناسب و ضعف نهادینه‌سازی در اجرای قوانین مساجد و سیاست‌های نامطلوب منجر شده است. از طرفی، عدم ضمانت و حمایت مشخص از مساجد با نبود استقلال در وضع قوانین و ضعف نهادینه‌سازی به عنوان مشکلات حقوقی مساجد قابل طرح است.


پس از مشخص شدن روابط میان شرایط زمینه‌ای و علی و میانجی با یکدیگر، به رابطه میان آن‌ها با مقولات فرایندی پرداخته می‌شود. مشکلات عمومی کشور با صدمه دیدن ساختار مساجد در ارتباط است؛ بدین نحو که مشکلات عمومی اقتصادی کشور در تحلیل رفتن قدرت رقابت‌پذیری مساجد در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی و تحلیل رفتن سرمایه اجتماعی آن‌ها مؤثر است. از طرفی، ضعف در تصویب و نهادینه‌سازی قوانین در پیدایش تعاملات غیررسمی سودجویانه در مساجد مؤثر است. زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور نیز با پیدایش تعاملات نابهنجار و نگاه کوتاه‌مدت به مساجد ارتباط دارد؛ بدین نحو که وجود الگوهای اخلاقی و فکری نامناسب در کشور زمینه پیدایش تعاملات غیررسمی و سودجویانه را در تعاملات و راهبردهای مساجد فراهم می‌کند. از طرفی، ضعف روحیه کار جمعی در مساجد و بی‌توجهی به نهاد مساجد زمینه‌های نگاه کوتاه‌مدت به مساجد را فراهم می‌آورد. به‌طور کلی، می‌توان گفت که یکی از علت‌های مهم پیدایش تعاملات نابهنجار در مساجد مشکلات درون‌بخشی مساجد است. هنگامی که مساجد از مشکلات جدی همچون ضعف آموزش، مشکلات مدیریتی، مشکلات سرمایه‌ای اجتماعی رنج می‌برند، اعضای مساجد برای رسیدن به حداقل سود شخصی یا حتی موفقیت مساجد زمانی که بسترهای قانونی و فرهنگی و اقتصادی به‌منظور تحقق این امر مهیا نیست، به تعاملات نابهنجار سودجویانه روی می‌آورند. فقدان برنامه‌ریزی مدون و مشخص در مساجد، که خود را در مشکلات حقوقی موجود در ساختار مساجد نشان می‌دهد، در پیدایش تعاملات نابهنجار در مساجد تأثیر بسزایی می‌گذارد. هنگامی که در تدوین قوانین مربوط به مساجد و نهادینه‌سازی و اجرای قوانین موجود ضعف وجود داشته باشد، بستر مشخص و تضمین‌شده‌ای برای موفقیت مساجد وجود ندارد و اعضای هیئت‌امنا مساجد با

درک و تجربه این امر به تعاملات غیررسمی و سودجویانه روی می‌آورند. از طرف دیگر، ضعف متولیان مساجد در کشور نیز سبب می‌شود مساجد نه تنها از حمایت مشخص و مدون ناامید شوند؛ بلکه از دخالت‌های ناپجای متولیان گریزان باشند. این گریز از دخالت و امید نداشتن به حمایت خود را در پیدایش تعاملات نابهنجار در مساجد نشان می‌دهد. از طرف دیگر، ضعف متولیان مساجد در کشور و عدم حمایت مستمر و نهادینه شده از آن‌ها مساجد را به وضعیتی سوق می‌دهد که امیدی به فعالیت مستمر آن‌ها نیست و عملاً نگاهی کوتاه‌مدت به مساجد به وجود می‌آید. در نهایت، نگاه کوتاه‌مدت به مساجد و پیدایش تعاملات نابهنجار درون مساجد به صدمه دیدن ساختار مساجد منجر می‌شود. پیدایش تعاملات نابهنجار درون مساجد و از جمله آن‌ها پیدایش تعاملات غیررسمی سودجویانه به تحلیل رفتن سرمایه اجتماعی درون مساجد منجر می‌شود. در نهایت، ناکامی مساجد پیامد صدمه دیدن ساختار مساجد در کشور است؛ به نحوی که ۵۰ درصد مساجد کشور کاملاً تعطیل است. با ناکامی مساجد و بازتاب آن در فضای جامعه بی‌اعتمادی به نهاد مساجد و ناامیدی از این نهاد در بین اعضای جامعه شکل می‌گیرد و با ظهور بی‌اعتمادی ناشی از ناکامی مساجد، بسترها و علت‌های ناکامی مساجد تشدید می‌شود. مساجد در کشور می‌تواند راه‌حلی برای برون‌رفت از اوضاع اجتماعی و اقتصادی نامطلوب باشد. با ناکامی مساجد در کشور، مشکلات اجتماعی تشدید می‌شود. از طرفی، نهضت مساجد می‌تواند عاملی برای افزایش هم‌بستگی میان افراد با تجربه کار جمعی موفقیت‌آمیز مبتنی بر اعتماد باشد. با ناکامی این نهضت زیرساخت‌های فرهنگی نامناسب کشور نیز تشدید می‌شود. در نهایت با تشریح خط داستان، «موانع ساختاری اجتماعی» به‌عنوان مقوله هسته این پژوهش انتخاب شد. موانع ساختاری درون مساجد وجود دارند و موانع اجتماعی بر بسترهای نامناسب رشد مساجد در کشور دلالت دارند.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Karim Mehri  <https://orcid.org/0000-0002-5943-9275>

منابع و مأخذ

- استراوس، انسلم؛ و کریبن، جولیت (۱۳۹۲). مبانی پژوهش کیفی. ترجمه ابراهیم افشار. تهران: نی.
- احمدپور، احمد (۱۳۹۶). روش تحقیق در علوم انسانی معاصر، نشر ققنوس
- توفیق، فیروز (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده آن. تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۸۱). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، چ ۲. یزد: انتشارات دانشگاه یزد.
- حبیبی، محسن (۱۳۸۴). شهرسازی مشارکتی: کاوشی نظری در شرایط ایران، دوره ۲۴، نشریه هنرهای زیبا سازمان برنامه و بودجه (۱۳۵۲). خلاصه پنجمین برنامه عمرانی. نشر سازمان برنامه و بودجه، تهران
- شایگان، فریبا (۱۳۸۹) تبیین جامعه‌شناختی مشارکت مردم در مساجد، تهران، جامعه شناسان
- شیرعلی محسن (۱۳۹۱) شیوه‌های نو در جلب مشارکت مردمی در عمران مادی و معنوی مسجد، دفتر مطالعات و پژوهش‌های مرکز رسیدگی به امور مساجد
- لدویت، مارگارت (۱۳۹۷) نگرش انتقادی به توسعه جماعت محور، نشر نی
- طلوعی، محمود (۱۳۷۲). فرهنگ جامع سیاسی تهران: علم و سخن.
- ضرابی، عبدالرضا (۱۳۷۶) نقش عوامل موثر در جذب نسل جوان به مسجد از دیدگاه جوانان استان کرمان، پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
- دربندی (۱۳۷۴) علل کاهش حضور مردم در مساجد از دیدگاه کارکردگرایان
- کلباسی اصفهانی، علی اصغر (۱۳۷۴). نقش تعاونی‌ها در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران. تهران: ثمره.
- نامغ، پرویز (۱۳۸۶). مبانی مدیریت دولتی. تهران: هستان.
- نورمحمدی، خسرو (۱۳۷۳). جنبه‌های اقتصادی مبادلات مرزی تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.
- هاشمیان فر، شایگان و مصطفی سعیدی (۱۳۹۴) «بررسی مشارکت جوانان در مسجد با تأکید بر خانواده، فصلنامه شیعه شناسی دوره ۱۳ شماره ۵۰
- ملانی، بیرکس، و میلز، جین (۱۳۹۳). تحقیق مبانی. ترجمه محمد اعرابی و عبادالله بانسی. تهران: نشر پژوهش‌های فرهنگی.
- مجیلی، جیمز (۱۳۹۸)، توسعه اجتماعی "نظریه و اقدام"، ترجمه سید احمد فیروزآبادی، انتشارات علمی فرهنگی
- Birks, Melanie, and Mills, Jane (2014). Basic research. Translated by Mohammad Arabi and Ebadullah Bانشi. Tehran: Cultural Research Publishing. [In Persian]
- Darbandi (1374) The reasons for the decrease in the attendance of people in mosques from the perspective of functionalists *For Qualitative Research Chicago*. Aldine Publishing Company. [In Persian]

- Hashemian Far, Shaygan and Mustafa Saeedi (2014) "Investigation of youth participation in the mosque with an emphasis on the family", *Shia Studies Quarterly*, Volume 13, Number 50. **[In Persian]**
- Kolbasi Esfahani, Ali Asghar (1374). The role of cooperatives in the economic system of the Islamic Republic of Iran. Tehran: Samrah. **[In Persian]**
- Ledwitt, Margaret (2017) *A Critical Approach to Jamaat-Oriented Development*, Nei Publishing. **[In Persian]**
- Namagh, Parvez (2016). *Basics of public administration*. Tehran: Hestan. **[In Persian]**
- Noormohammadi, Khosrow (1373). *Economic aspects of border exchanges*. Tehran: Institute of Business Studies and Research. **[In Persian]**
- Program and budget organization (1352). *Summary of the fifth construction program*. Publication of Program and Budget Organization, Tehran. **[In Persian]**
- Shaygan, Fariba (1389) *Sociological explanation of people's participation in mosques*, Tehran, sociologists. **[In Persian]**
- Shir Ali Mohsen (2012) *New ways to attract people's participation in the material and spiritual construction of the mosque*, Studies and Research Office of the Center for Addressing the Affairs of Mosques. **[In Persian]**
- Strauss, Anselm; and Corbin, Juliet (2012). *Fundamentals of qualitative research*. Translated by Ibrahim Afshar. Tehran: Ney. **[In Persian]**
- Tawfiq, Firoz (2005). *Planning in Iran and its future perspective*. Tehran: Higher Institute of Management and Planning Education and Research. **[In Persian]**
- Toloui, Mahmoud (1372). *Comprehensive political culture*. Tehran: Science and speech. **[In Persian]**
- Zarrabi, Abdolreza (1376) *The role of effective factors in attracting the young generation to the mosque from the perspective of the youth of Kerman province*, Master's thesis, Imam Khomeini Educational and Research Institute. **[In Persian]**
- Ziyari, Karamatullah (1381). *Regional planning principles and methods*. Ch2. Yazd: Yazd University Press. **[In Persian]**
- Glaser, B.G., & Strauss, L. (2008). *The Discovery Of Grounded Theory: Strategies*



This work is licensed under a Creative Commons Attribution 4.0 International License.

